

توصیه عباس عیدی به پزشکيان:

بجز اقلیت تندرو باقی اصولگرایان را در چنین کابینه مشارکت دهید



سرویس سیاسی –آقای پزشکيان می‌تواند با نادیده گرفتن اقلیت تندرو بقیه اصولگراییان را در چنین کابینه مشارکت دهد و نوعی وفای ملی را به نمایش بگذارد. عباس عیدی در یادداشتی با عنوان «آرای تندروها، نوشت: خیلی‌ها ۸/۱۳/۵ میلیون رای آقای جلیلی در انتخابات ۱۵ تیر تعجب کرده‌اند و معتقدند که این رقم بیش از انتظار آنان بوده است. اگر آقای قالیباف چنین رای می‌آورد، بالطبع تعجبی نمی‌کردند. دلایلی که برای این اثبات این ادعا ارابه می‌دهند، گوناگون است. مهم‌ترین دلیل نیز بی‌اعتقادی مطلق آنان به مردم و حق حاکمیت مردم بر سرنوست خودشان است. کسی که چنین عقایدی به مردم نداشته باشد و حتی حق ابراز هم کند طبیعی است که گفتار و رفتارش نیز به گونه‌ای نیست که مطلوب مردم بوده و ظرفیت رای‌آوری داشته باشد. نمونه آن سخنان مرحوم مصباح‌زیدی درباره نقش مردم به نای مواضع پسالانتخاباتی همین طرف‌داران آقای جلیلی و خودش است. ایرکه به اکثریت رای‌دهندگان به این علت که به نامزد مخالف ما رای داده‌اند، توهمین کنم و آنان را کودک صفت یا کودن بداندیم بالطبع نمی‌تواند مورد اقبال مردم واقع شود. به علاوه بیان غیراخقاعی و زیان تحکمی و زورمدارانه آنان نیز جایی برای جلب نظر مردم نمی‌گذارد. کافی است اینها را با ادبیات آقای پزشکيان مقایسه کنید. همچنین عملکرد ضعیف و حتی ایده‌های عجیب و غیرمعتادانه آنان همچون ایجاد شغل با یک میلیون تومان یا رسیدن ایران به رتبه دوم اقتصادی جهان و از این حرف‌های بیهوده موجب رویگردانی طبیعی مردم از آنان می‌شود. در عمل هم انتخابات دور اول نشان داد که رای جلیلی از ابتدا تا روزهای آخر منتهی به ۸تیر به نسبت ثابت و حدود ۲۰ تا ۲۵ تا درصد مشارکت‌کنندگان بود که از کل واجدین حق رای حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد می‌شود.دراغلب نظرسنجی‌های دور اول دیده‌می‌شد که رای جلیلی از ابتدائات بود و تغییر معناداری نمی‌کرد. در مقابل آقای پزشکيان رو به رشد و آرای قالیباف نیز کاهشی بود.ثبات نسبی رای او مهم‌ترین دللی بود که در ضرورت کنار رفتن جلیلی برای شکست دادن پزشکيان آورده می‌شد و اتفاقا قابل فهم و منطقی بود. در عمل هم همین نتیجه حاصل شد و به احتمال فراوان اگر قالیباف به دور دوم می‌آمد دوظیفی کنونی شکل نمی‌گرفت و مشارکت افزایش پیدانمی‌کرد و او می‌توانست باحدود ۱۲ تا ۱۳ میلیون رای پیروزشودولی در غیاب‌قالیباف دوظیفی جلیلی‌پزشکيان شکل گرفت و ماجرا تمام شد. البته با آمدن قالیباف مشارکت در همان حدود ۴۰ درصد باقی می‌ماند. با این حال چزارای جلیلی در مرحله دوم به حدود ۲۲ درصد کل واجدین حق رای رسید؟

این آرای به دو دلیل زیادشد؛یکم حذف‌قالیباف در دور اول، طبیعی بود برخی از این رای‌دهندگان به قالیباف، در دور دوم نیز چنان‌خی رای داده و رای خود را به سود جلیلی در صندوق ریختند. حدود ۷/۴ میلیون رای دور دوم از آرای قالیباف است. حدود ۱/۶ میلیون رای دیگر را هم از طریق باوم اضافه کرد.دند. اینکه تمامی ابزارهای قدرت و امکانات دولتی را به کار گرفتند، بلکه فاصله خود را با پزشکيان جبران کنند.این ابزارهایسپارمنتفی بود و تمامی امکانات دولتی از مالی و استخدامی و مدیریتی و اقتدار دولتی را در این راه مورد استفاده قرار دادند. حمایت‌های کامل شبکه‌های مخابراتی و رای‌انتازان اثرات جدی خود را داشت، اگر اینترنت‌شامل چنین حمایت‌هایی را از هر رقبی دیگری می‌کرد آن رقبی را منتهم به صهریونیسم و جاسوسی می‌کردند ولی هنگامی که خودشان حمایت‌شندن،صادیش رادر نمی‌آورند و خیلی هم استقبال می‌کردند.بنابراین باید گفت که آرای این جناح همان حدود ۲۵ درصد مشارکت‌کنندگان دور اول است.بقیه آرا بر حسب موقعیت و علنی‌بودن یا ناشی از امکانات مقطعی است و فاقد ماندگاری و ثبات است. واقعیت این است که آنان از یک سو فاقدزبان صریح و روشن هستند. به همین دلیل هم کمتر کسی متوجه می‌شد که چه می‌گویند.شاید خودشان هم متوجه معنای دقیق آنچه می‌گفتند، نبودند. از سوی دیگر چون با الزامات جامعه جدید همسویی ندارند، تعیه می‌کنند و ممکن‌است قبلی خود را بیان نمی‌دارند. در موضوعاتی از قبیل زنان و حقوق آنان، درباره تعامل با جامعه جهانی، درباره حقوق شهروندی و به ویژه حن حقوق سرنوشته مردم، درباره الزامات حقوق و مبنای اجتماعی قانون، درباره به رسمیت شناختن دیگر فرهنگ‌ها و درباره مفهوم دولت–ملت و واحدهای ملی و... عقایدی متفاوت با اکثریت رای مردم دارند، در نتیجه صادقانه و شفاف سخن نمی‌گویند، به همین دلیل ممکن نیست که بتوانند نفوذ و تفعمی بیش از همین انداز را داشته باشند. بیشتر آرای دور دوم آنها به صورت ناپثی از سایر اصولگرایان گرفته شده بود و پس از شکست و پایان انتخابات به جایگاه پیشین خود باز خواهند گشت. این تئوری برای آقای پزشکيان از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند با نادیده گرفتن اقلیت تندرو بقیه اصولگرایان را در چنین کابینه مشارکت دهد و نوعی وفای ملی را به نمایش بگذارد.

وزیر کشور مطرح کرد؛

خرید ملک از سوی اتباع به نام دیگران غیر قانونی است

سرویس سیاسی –وزیر کشور گفت: خرید خانه توسط اتباع خارجی طبق ضوابطی است که فعلا ما چنین ضابطه‌ای نداریم لذا خرید ملک به نام تبعه خارجی الان موضوعی ندارد. ممکن است کسانی به نام دیگران این کار را کرده باشند که قانونی نیست طبیعتا اگر سیستم‌ها و دستگاه‌هایی که وظیفه رسیدگی و نظارت دارند با این تخلفات روبه‌رو شوند، به عنوان یک کار غیر قانونی قلمداد خواهد شد. احمد و حامی دزیره آخرین وضعیت ساکنان ملی مهاجرت گفت: سازمان ملی مهاجرت یک سازمانی است که در برنامه هفتم هم ذکر شده است و قبلا هم مصوباتی در این حوزه در سطح کلان وجود داشته است. وظیفه سازمان ملی مهاجرت پیگیری وضعیت اتباع خارجی است و الان هم این کار تعقیب می‌شود. وزیر دولت با وضعیت ساکنان ملی اتباع بیگانه که مدتی است با تعداد افکار عمومی مواجه شده است، بیان کرد: اولا اینکه نظارت الان بیشتر شده است. تعداد قابل توجهی از اتباعی که غیر مجاز بودند طرد شدند و این کار به طور مستمر انجام می‌شود.

جدیدی خاطر نشان کرد: هر گونه اتباع بیگانه‌ای که در کشور باشند و مجوز نداشته باشند، حتما باید از کشور بازگردند و این در دستور کار است. در تهران هم همین طور است ما به خود عزیزانی که از کشور همسایه آمدند و اینجا هستند می‌گوییم که به هر حال آنهاهایی که مجوز ندارند باید برگردند و آن‌هایی که مجوز دارند، صرفا در چارچوب مجوزی که دارند، عمل کنند.

وی ادامه داد: مثلا بعضی روادید گرفتند، روادیدشان سیاحتی هستند، اما از دوره آن گذشته است و حالا آمدند ماندگار شدند و سر کاری رفته‌اند این قابل قبول نیست و باید صرفا در چارچوب روادیدی که گرفتند، عمل کنند این در دستور کار جدی است و این امر مرتب انجام می‌شود.

وزیر کشور عنوان کرد: طبیعتا کسانی که چنین وضعیتی داشته باشند و یا حضورشان مجاز نباشد و برای آن کاری که مجوز گرفته‌اند مشغول نباشند و کار دیگری کنند، جزء مواردی است که برگردانده می‌شود.

وی درباره این که مطرح شده می‌شود برخی از اتباع بیگانه در کشور بایث شرکت اقدام به خریدی املاک و مستغلاتی می‌کنند آیا این کار قانونی است، گفت: خرید خانه توسط اتباع خارجی طبق ضوابطی است که فعلا ما چنین ضابطه‌ای نداریم لذا خرید ملک به نام تبعه خارجی الان موضوعیتی ندارد. ممکن است کسانی به نام دیگران این کار را کرده باشند که قانونی نیست طبیعتا اگر سیستم‌ها و دستگاه‌هایی که وظیفه رسیدگی و نظارت دارند با این تخلفات روبه‌رو شوند، به عنوان یک کار غیر قانونی قلمداد خواهد شد.

سیاسی

باقری فعال سیاسی اصلاح‌طلب:

در بدنه اجرایی دولت گوش شنوایی برای اجرای بخشنامه مخبر درباره انتصاب‌ها وجود ندارد

■ یک فعال سیاسی اصلاح طلب گفت: باید مطالبه شفاف شدن ریشه‌ها، مبانی حقوقی، منابع مالی و قدرت‌های حامی دولت سایه ادامه پیدا کند

و آقای جلیلی و دوستان‌شان را تاگزیر به شفاف‌سازی کنند. من فکر می‌کنم اگر این مطالبه‌گری به نتیجه برسد، تا حدود زیادی می‌تواند رفتار این جریان را در قبال دولت مستقر، فارغ از هر دولتی که باشد، رفتار معقولی نشان دهد. یعنی آن‌ها را از سایه در پیوردد و در مقابل آفتاب قرار بگیرند و بعد نوافرکن‌های شفافیت بر خودشان تابیده شود و ببینیم دولت سایه با چه پشتوانه‌ای دیگران را نقد می‌کند.



دولت سایه را بپذیری کند.

سرویس سیاسی – علی باقری فعال سیاسی اصلاح‌طلب در مورد اینکه سعید جلیلی بعد از شکست انتخاباتی از ادامه مسیر دولت سایه صحبت کرد.د. مبنای حقوقی تشکیل دولت سایه چیست، گفت: قبل از اشاره به مبنای حقوقی، اصل کاری که یک جریان سیاسی در پیروزی، قدرت می‌تواند انجام دهد تا به رصد عملکرد دولت بپردازد و ضمن نقد و بررسی، ایده‌های اثباتی‌ش خودش را همم در اختیار دولت قرار دهد. فی‌الفضله چیز بدی نمی‌دائم و از قضا نکته مثبتی هم می‌تواند در جای خودش داشته باشد.

لذا من اصلا ماجرا را حق آقای جلیلی، دوستان ایشان و هر جریان سیاسی دیگری می‌دانم که نسبت به دولت مستقر این بررسی‌ها را داشته باشند و ایده‌های خودشان را مطرح کنند.

وی افزود: نکته‌ای که وجود دارد این است که چنین اقدام و فرآیندی مستلزم شفافیت است. این جریانی که متغول نقد و بررسی دولت و ارائه پیشنهاد‌های اصلاحی است، هوش چر نیست؟ ماهیت حقوقی‌اش در کجاست؟ منابع ثروت و هزینه‌های کارهای آن از کجاست؟ این کار باید با اهل اصل است که اگر کسی و جریانی می‌خواهد در هیئت دولت سایه قرار بگیرد، اول باید کاملا هویت خودش را روشن کند.

آقای پزشکيان از آقای جلیلی در جریان آن مناظره‌ها، از منابع مالی دولت سایه سوال کردند که آقای جلیلی از زیر این سوال در رفتند. این پاسخ‌قانع‌کننده‌ای نیست که شما مدعی باشید یا با استفاده از کار‌شناسان برای همه چیز نفوذ و تفعمی بیش از درست کشور تولید برنامه کردید ولی یک ریال هم هزینه بر نداشته است. چون برخی از این کارشناسی که اسمی هم از آنها در دولت سایه آقای جلیلی برده می‌شود، وابستگان تشکیلاتی و همفکران ایشان که نیستند؛ ایشان از بدنه کارشناسی جامعه استفاده کرده و خیلی طبیعی است که استفاده از نظرات آنان هزینه‌بر است.

این فعال سیاسی تصریح کرد: ما که در خلأ زندگی نمی‌نیم. یعنی هزینه کار پژوهشی و تولید برنامه، روشن و مشخص است و لذا این پاسخ آقای جلیلی درست نیست، ضمن اینکه اصل کار را کار مفید و حتی برای جریان سیاسی می‌دانم اما ابعد آن باید مشخص شود. اینکه آیا آقای جلیلی تحت عنوان حزب، دولت سایه تشکیل داده است؟ یک جبهه یا یک گروه فشار است؟ یک گروه غیر رسمی است؟ تکلیف آن باید معلوم شود.

دولت سایه تحت عنوان یک قالب حقوقی به رسمیت شناخته شده، در جامعه ما نیست. دولت سایه باید توسط یک اندیشکده تشکیل شده باشد که یعنی حاصل فعالیت آن اندیشکده مجموعه‌ای از نقد و نظر نسبت به عملکرد دولت و ارائه برنامه باشد. یا یک فعالیتی در قالب حزب باشد که در قالب دولت سایه نسبت‌شان را با برنامه‌های در حال اجرا نشان می‌بخشد. آقای جلیلی این کار را صورت ندادند. یعنی تا جایی که می‌داند آن‌ها نه حزب هستند و نه اندیشکده ثبت‌شده‌ای هستند. لذا اگر این قسمت و منابع مالی‌شان شفاف شود، همه چیز مشخص خواهد شد.

اینکه شما نغی کنید که کارشناسان همه مجانی کار کردند؛ این مضمون صحیحی نیست. یعنی شما از کارشناسان حرفه‌ای استفاده کردید که حرفه‌شان این است و از این راه زندگی می‌کنند.

این پذیرفته نیست که شما بگویید من برای استفاده از این کارشناسان هزینه نکردم. لذا اگر ابعاد حقوقی و مالی دولت سایه روشن شود، کار مثبت، قابل قبول و قابل تحسینی است.

باقری در پاسخ به این سوال که کدام دستگاه‌ها و نهادها باید موضوع شفافیت دولت سایه آقای جلیلی را مورد پیگیری قرار دهند، گفت: اجزای وزارت کشور می‌توانند در این زمینه ورود کنند. زیرا وزارت کشور به عنوان مسئول رسمی تشکل‌ها در کشور باید شفافیت



یادداشت سیاسی ...

چه روایتی از «انتخابات ۴۰۳» به احیای امید می‌انجامد؟

▲ صادق آجاسان – جامعه شناس

ساده انگارانه است تصور کنیم با گذاشتن دستیار مردمی سازی و ایجاد چند پست مرتبط در نهادهای دولتی، امکان نقش آفرینی جامعه با نمایندگان واقعی آن فراهم می‌شود. تجربه جهانی را باید سراسلوحه کار خود قرار دهند. طی چندروز گذشته، گفتارها و روایت‌های مختلفی در ارتباط با انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ مطرح شده‌ است. انتخاباتی که در شرایط "اضطرارگون" برگزار و حامل معانی پیدآ و پنهان بسیاری بود. فارغ از نتیجه انتخابات،که موضوعی مهم است،عدم شرکت بیش از نیمی از واجدین شرایط نکته اصلی این انتخابات و چند انتخابات گذشته بوده‌ است. با ادبیات علم پزشکی تفسیر پاتولوژی (اسبب شناسی) جامعه ایران طی چهار مرتبه (انتخابات ۹۸، ۱۰، ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳) علانم یک بیماری را تکرار کرده است.حاکمیت به مثابه پزشکی "حاذق" باید نتایج این آزمایش را چگونه تفسیر کند؟ احتمالا هر فرد، گروه و جریان سیاسی برداشت و روایت خود را از این عدم مشارکت داشته‌باشد. اینجا هدف ما بازخوانی این روایت‌ها و پایتکه کدام روایت" اعتبار" بیشتری دارد، نیست. آنچه حائز اهمیت است و این یادداشت سعی در جستارگشایی آن دارد، فهم "حاکمیت" یا «قوة عاقله نظام سیاسی» از واقعیت موجود است. این که مجموعه حاکمیت عدم مشارکت ۶۰ درصد واجدین شرایط در دور نخست و ۵۰ درصد آن در دور دوم را «برجسته» کند، یا مشارکت ۴۰ و ۵۰ درصد واجدین شرایط، دارای پیامدهای متفاوت است. در تحلیل گفتمان، اینکه چه «گفتاری» روی «واقعیت» سوار شود دارای پیامدهای کرداری/سیاسی متفاوت است. مسلما کار دارهای معطوف به گفتاری که «عدم مشارکت ۶۰ درصد واجدین شرایط " برای آن در اولویت باشد، متفاوت از رویکردی است که این انتخابات را با گزاره‌هایی مانند حضور حماسی، انتخابات پر شور و... می‌نامد. در حالت نخست قاعدتا باید اصلاح رویه ها، سیاست‌ها و قواعدی که ریشه چنین ناراضایی را فراهم کرده است، در اولویت باشد. اما برعکس آن نیز ممکن است. حاکمیتی می‌تواند با "بازگون خوانی" نتیجه انتخابات پیام اصلی کاهش مشارکت را نادیده بگیرد، اینجا نقطه «بحرانی» مساله است. البته حالت سومی نیز می‌توان در نظر گرفت و آن اینکه،عکس‌الععمل حاکمیت ظاهر و باطن متفاوت داشته‌باشد. در ظاهر پیامدها و اهمیت کاهش مشارکت را بر حسته نکند، اما به طور ضمنی نگران ناراضی‌های حاکمیت و موجود به تبع آن در سد تدبیر رفتارهای لازم برای حل مساله کاهش مشارکت و مشروعبت منبعث از آن باشد (به نظر باید پزشکيان توسط شورای نگهبان فرضیه سوم را بیشتر محتمل میکند). اگر فرض سوم درست باشد قاعدتا باید شاهد تغییراتی اساسی در نوع حکمرانی باشیم. تغییراتی که در همدستی مجموعه نهادهای حاکمیت و دولت متشکل "امکان تحقق دارد. البته این تغییرات "مقدماتی" دارد که بدون توجه به آن رسیدن به حل راه پایدار ممکن نیست.

کام نخست شهادت مواجبه با واقعیت است

واقعیت، واقعیت است و هیچ واقعیت مجلوب و مرعوب "علم"، "ایدئولوژی" و مواردی از این قبیل نمی‌شود. واقعیت به آسانی تسلیم نمی‌شود، پس نباید در مواجهه با "بی احتیاط" یا "مسائل پرنرنجی" که سالها مردم جامعه ما را آزار می‌دهد، امری به غایت واقعی هستند. فهم و حل مسایل موجود، بدون پشتوانه اکثریت جامعه ممکن نیست. با سیاست‌گذاران و مدیران "عاقبت اندیش" امکان غلبه بر مسایل پیچیده کنونی وجود ندارد. نظام حکمرانی باید "شهادت" مواجبه با "واقعیه" را داشته باشد. هیچ راه رفتن به عمق مسایل و روبرو شدن با آنها وجود ندارد. "تبلیغات"، "آبازی با کلمات" و "انتشار داده‌های غیرواقعی" نه تنها تخفیفی در واقعیت نمی‌دهد، بلکه اعتماد جامعه به حاکمیت را نیز زایل می‌کند.

عبور از رویکردهای "مرکزگرا" و "بولت محور"!

اگر بپذیریم که بخشی از بحران‌های کنونی و ناراضایی موجود ریشه در عملکرد نامطلوب قدرت نهادهبی "دولتی" دارد، پس راه حل‌های آن برای برون رفت از چالش‌ها، نمی‌تواند ابرهکشا باشد. در چنین شرایطی باید فرصت را برای "بافدقرت‌ها" فراهم و به کش‌های "مدنی/صغنی" اجازه ابراز وجود داد. چیزی که متأسفانه در دوده اخیر شاهد افول نقش آن بوده‌ ایم، نهادهای مدنی/صغنی به مثابه درختهایی می‌مانند که طی سالیان و با دوراندیشی در بیابان کاشته می‌شوند. نقش آفرینی این درختان در بزنگاه‌های مهم خود را نشان می‌دهد؛ آنجا که طوفانی وزیدن گرفته و سبیلی ختمان سوزو به راه می‌افتد. نظام سیاسی که جلوی رشد نهادهای مدنی را بگیرد و یا آنها را محدود کند، خود را در مقابل حوادث آسیب پذیر می‌کند. در ایران हाल سالت دولت‌ها از بی هم میانیدن، اما بحران‌ها و مسائل نه تنها برطرف نشده، بلکه بر پیچیدگی آن افزوده شده‌ است. تدارک‌های اقتصاد، سیاست و فرهنگ ... به روی نمایندگان واقعی جامعه (سندیک‌ها، اصناف، تشکل‌های مدنی، و ...) گشوده نشود؛ در بر همان پاشنه می‌چرخد. البته ما مانور دادن روی واژه‌هایی مانند "مردمی سازی" خودمان را گول نزنیم. توجه به نظر و نگاه مردم "منطق" روشن خود را دارد. "مردمی سازی" یک واژه ایدئولوژیک و گول زندانه است. کار ایدئولوژی ساده کردن امر پیچیده است و تنش موجود در واقعیت را نادیده می‌گیرد این خیلی ساده انگارانه است که تصور کنیم با گذاشتن دستیار مردمی سیاسی و ایجاد چند پست مرتبط در نهادهای دولتی، امکان نقش آفرینی جامعه با نمایندگان واقعی آن فراهم می‌شود. در این مورد مشخصا باید تجربه جهانی را سراسلوحه کار خود قرار داد.

به رسمیت شناختن تفاوت‌ها

ایران یک جامعه ۸۵ میلیونی با سطح بالای از تنوع و تکثر است. هر نسخه ای که برای سیاست‌ و وزنی و حکمرانی پیچیده می‌شود باید بتواند این تفاوتها و تنوع‌ها را لحاظ کند. نظام حکمرانی که در قبال "تفاوت" "منصف" نباشد، نمی‌تواند انجام و همدلی در جامعه ایجاد کند.باید به این موضوع که جامعه دچار "لادگرستی" اساسی در حوزه فرهنگ‌ها و اجتماعی شده، کلیه راد گشای بسیاری از این بدی‌ها "فرقی از فرهنگ‌هاست. سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی باید پذیرند"با "دیگری‌های" متفاوت مواجه هستند.دیگری‌هایی که در بسیاری مواقع به نظام "ارزشی"، "منجاری" "مطلوب حاکمیت التزام ندارند. سیاست‌گذاری‌های "آمrane" نه تنها راهی به جهان این دیگری‌های متفاوت پیدانمی‌کند، بلکه بر فاصله آنها می‌افزاید. تنها با "الضف تقریب‌زینت" در قبال این دیگری‌های متفاوت است که می‌توان به جهان ذهنی آنها تقریب زد. دست آویز قرار دادن قانون و اینکه جامعه باید در قبال قوانین آمrane سبک زندگی، فیلتر و یک ... تابع باشد، امری پذیرفته نیست، مادامی که قانون، "تلور" "و جهان جمعی" جامعه نباشد. و بالاخره

اینکه، کشتن "امید" یکی از بزرگترین هزینه‌های وضع موجود است. احیا آن نه کاری غیرممکن، اما بی نهایت سخت و پیچیده است. قطعاً بارها هر آل چیزی بوده شده و ترکیب نیروهای سیاسی فعلی امکان گذر از این گردنه سخت وجود ندارد. راه حل همان چیزی است که این روزها بر آن تاکید بسیار شده است، "راه سوم"! راهی که هم "رای‌ندها‌ها" و هم اکثر کسانی که به رئیس‌جمهور منتخب رای دادند، بر پیمودن آن تاکید دارند. این راه با گذر از آن ارایش و ترکیب نیروهای سیاسی (اصلاح طلب/اصولگرا) امکان‌پذیر است؛ مظاربه ای که شعار محوری اعتراضات دهه ۹۰ بود. "سترونی" موجود در این نیرو‌ها رابر کش‌های خلاقانه برای برون رفت از وضعیت فعلی بسته است. مطالبه امروز جامعه از حاکمیت، که در اعتراضات ۱۴۰۱ با صدای رسا اعلام شد، "بازگشت به زندگی" است. به قول آن دختر نوجوان که در پاسخ به تأکید مادمربار بر جدی گرفتن "کنکور" گفته بود: "نمیخوام در مسابقه‌ای شرکت کنم که برنده‌هایش بلدنیستند زندگی کنند". امروز بسیاری از کسانی که تمایل به شرکت در انتخابات ندارند، با خود می‌گویند چرا باید به تقویت فرآیندی بپردازند که حاصل آن محدود کردن "بازگشت‌شان" است. از این‌رو، امکان "بنیادین"، "زندگی و کش حیات" است. باید به این چیزیکه این مهم را به مخاطب می‌اندازد، نه گفت. مردمی که روزی با "قلب‌شان" انقلاب کردند، امروز می‌خواهد با "عقل‌شان" زندگی کند؛ راه زندگی را بر آنها بنهدیم. این مهم باید دستورویژه رئیس‌جمهور منتخب (به عنوان مجری قانون اساسی) به دولتمردان و دیگر قوای حاکمیت باشد.

صنایع چوب | حلاج کیش

کلید سفارشات | تلفن: **۰۷۶۹۸۴۵۲۲۲**

دکوراسیون غرفه و منزل | **چوبی**، **MDF**، **چوبی**